



الكساندر اشتفنس ماير • مترجم: مهدی شهشهانی فر

لیزه لوته

حموم نمی‌ره!

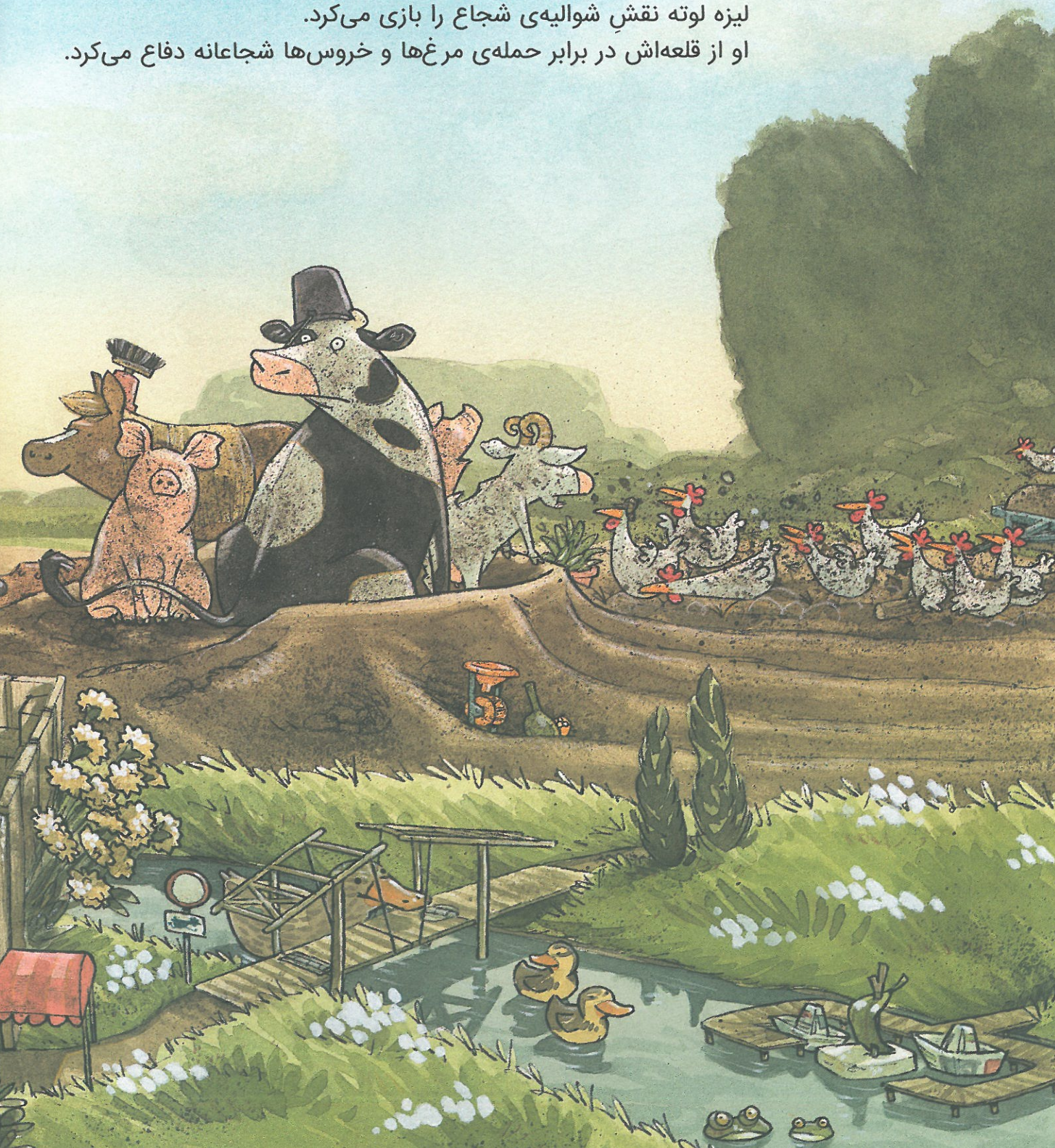
Copyright



کتاب‌های فارسی



لیزه لوته و دوست‌هایش داشتند در مزرعه‌ی پشت‌خانه بازی می‌کردند.
لیزه لوته نقشِ شوالیه‌ی شجاع را بازی می‌کرد.
او از قلعه‌اش در برابر حمله‌ی مرغ‌ها و خروس‌ها شجاعانه دفاع می‌کرد.



ولی ناگهان...
این دیگر چه صدایی بود؟
نکند قرار است از سمت باغ هم حمله کنند؟
نه، حمله‌ای در کار نبود!
خانم مزرعه‌دار فریاد زد:
«خیلی‌خب! خیلی بازی کردید،
حالا وقت حمام کردن است.
بعدش هم تمیز و مرتب بروید توی تختخواب.»

